

تحلیل حقوقی بخشنامه اجرای بند (ت) ماده ۱۷ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

بازنشستگی زودهنگام مادران شاغل در سایه چتر حمایتی قانون

در شرایطی که سیاست‌های جمعیتی و حمایت از خانواده به یکی از دغدغه‌های اصلی قانونگذار تبدیل شده است، حمایت از مادران شاغل به عنوان یکی از گروه‌های کلیدی در تحقق این سیاست‌ها، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. بخشنامه اخیر صندوق بازنشستگی کشوری در خصوص نحوه بازنشستگی مادران شاغل، تلاش برای تبدیل یک حکم قانونی به سازوکاری اجرایی برای صیانت از بستر خانواده و آرج به مقام مادر با نگاهی انسانی و حقوقی است. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، از بدو تصویب، واکنش‌های متفاوتی را در محافل حقوقی و اجتماعی برانگیخت. بخشی از این واکنش‌ها نظر بر امکان سنجی اجرای احکام قانون و بخشی دیگر معطوف به تأثیر آن بر حقوق گروه‌های مختلف اجتماعی بود. در این میان، بند (ت) ماده ۱۷ این قانون که به کاهش سن بازنشستگی مادران شاغل اختصاص دارد، از جمله احکامی است که هم واجد جنبه حمایتی و هم محل بحث حقوقی است. فارغ از بحث‌های حمایتی، این بخشنامه تلاش دارد میان اهداف جمعیتی قانونگذار و الزامات نظام بازنشستگی کشور، تعادلی نسبی برقرار کند.

■ ■ ■

بند (ت) ماده ۱۷ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مقرر می‌دارد مادران شاغلی که پس از لازم الاجرا شدن قانون، صاحب فرزند شوند، به ازای هر فرزند از کاهش سن بازنشستگی برخوردار خواهند شد. این کاهش برای هر فرزند یک سال و برای فرزند سوم و بیشتر، ۱/۵ سال تعیین شده است. قانونگذار همچنین حداقل سن بازنشستگی و حداقل سابقه بیمه را مشخص کرده و بر تناسب حقوق بازنشستگی با سنوات پرداخت حق بیمه تأکید داشته است. از منظر حقوق عمومی، این حکم را می‌توان مصداقی از سیاستگذاری حمایتی دانست که با هدف تشویق فرزندآوری و کاهش فشار مضاعف بر مادران شاغل طراحی شده است. در عین حال، این حکم در چارچوب نظام تأمین اجتماعی کشور اجرا می‌شود و نمی‌تواند از ملاطضات مالی و ساختاری صندوق‌های بازنشستگی منفک باشد.

■ محتوای بخشنامه و شروط اجرایی

بخشنامه ابلاغی صندوق بازنشستگی کشوری، شروط و الزامات اجرایی استفاده از این امتیاز قانونی را به صورت مشخص بیان کرده است. از جمله مهم‌ترین این شروط، تولد فرزند یا فرزندان پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون، رعایت حداقل

سن بازنشستگی متناسب با تعداد فرزندان و داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه بیمه است، همچنین تأکید شده است که از سال پرونده بازنشستگی به صورت الکترونیکی و همراه با مدارک هویتی فرزندان و درخواست کتبی متقاضی، الزامی است. این سطح از شفاف‌سازی، می‌تواند از بروز برداشت‌های سلیقه‌ای و اختلاف رویه در دستگاه‌های اجرایی که همواره یکی از چالش‌های اجرای قوانین حمایتی بود، جلوگیری کند.

■ نسبت حمایت از مادران با پایداری صندوق‌های بازنشستگی

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حقوقی و اقتصادی در قبال این نوع سیاست‌ها، تأثیر آنها بر پایداری صندوق‌های بازنشستگی است. کاهش سن بازنشستگی، به طور طبیعی می‌تواند به افزایش تعهدات مالی صندوق‌ها منجر شود، به همین دلیل قانونگذار و مجریان قانون تلاش کرده‌اند با تعیین حداقل سابقه بیمه و تناسب حقوق بازنشستگی با سنوات پرداخت حق بیمه، از ایجاد بار مالی غیرقابل کنترل جلوگیری کنند. از منظر عدالت



اجتماعی، این رویکرد نشان می‌دهد حمایت از مادران شاغل نباید به قیمت تضعیف حقوق نسل‌های آینده بازنشستگان تمام شود. این مهم و تعادل میان حمایت اجتماعی و پایداری مالی، نقطه‌ای است که موفقیت یا ناکامی این قسم سیاست‌ها را رقم می‌زند.

■ نگاه انسانی به بازنشستگی مادران شاغل فراتر از مباحث حقوقی و مالی، نباید از بعد انسانی این بخشنامه غافل شد. به رغم اهمیت فرزندپروری و افزایش جمعیت، نیاز به پرورش فرزندان سالم نیز از نیازهای اساسی خانواده و جامعه محسوب می‌شود و این مهم در گرو مادر سالم و موفق می‌شود. مادران شاغل، به ویژه در سال‌های ابتدایی فرزندپروری، با فشار مضاعفی که هم از محیط کار و هم از مسئولیت‌های خانوادگی نشئت می‌گیرد مواجه می‌شوند. امکان بازنشستگی زودتر، در صورت تمایل فرد، می‌تواند به افزایش کمک زندگی، سلامت روان و انسجام خانوادگی کمک کند. با این حال، شرط اختیاری بودن استفاده از این امتیاز اهمیت بسزایی دارد. سیاست حمایتی

جامعه محسوب می‌شوند چراکه همزمان بار مسئولیت حرفه‌ای و خانوادگی را به دوش می‌کشند و امکان برخورداری از کاهش سن بازنشستگی، پاسخی منطقی و انسانی به فشار مضاعف زندگی کاری و خانوادگی آنهاست. قانونگذار با ایسن تصمیم واقعیت‌های زندگی زنان را مبنای سیاستگذاری قرار داده و نه فقط آنها را نادیده نگرفته، بلکه برای جبران بخشی از دشواری‌های مادرانه اقدام عملی کرده است. برداشت حمایت تبعیض‌آمیز از حمایت صورت گرفته صرفاً یک برداشت ناصواب است، عدالت حمایتی از اصول بنیادین حقوقی در جهان به شمار می‌رود. در این چارچوب شرایط خاص مادران شاغل به رسمیت شناخته شده و ابزار جبرانی مناسبی برای آن پیش‌بینی شده است و در پی تحقق این هدف، سیاستگذاری نه به عنوان یک تکلیف اداری، بلکه به عنوان تلاش برای تقویت نهاد خانواده و کرامت انسانی ایفا می‌کند.

■ چالش‌های اجرایی و احتمال اختلاف برداشت

هرچند بخشنامه تلاش کرده است مسیر اجرا را شفاف کند، اما در عمل ممکن است چالش‌هایی در تفسیر یا اجرای آن بروز کند. تعیین دقیق تاریخ‌های مشمول، نحوه محاسبه سن و سابقه و تطبیق این امتیاز با سایر قوانین بالا دستی مانند قانون برنامه هفتم پیشرفت، از جمله مواردی است که نیازمند وحدت رویه و نظارت مستمر است. در صورت فقدان نظارت کافی، خطر ایجاد تبعیض میان کارکنان دستگاه‌های مختلف یا تضییع حقوق متقاضیان وجود خواهد داشت و اگر چنین شود، امری است که می‌تواند فلسفه حمایتی قانون را تضعیف کند.

■ سیاست جمعیتی و حقوق شغلی بخشنامه نحوه بازنشستگی مادران شاغل را می‌توان تلاشی برای عملیاتی کردن یکی از احکام مهم قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت دانست. این بخشنامه، در صورت اجرای دقیق و منصفانه، می‌تواند نمونه‌ای از تلفیق سیاست جمعیتی با حمایت حقوقی از زنان شاغل باشد، با این حال موفقیت نهایی این سیاست، وابسته به حفظ تعادل میان حمایت اجتماعی، پایداری مالی صندوق‌ها و احترام به حقوق شغلی و انتخاب آزادانه مادران است. نگاهی انسانی و حقوق محور به اجرای این بخشنامه، می‌تواند آن را از یک دستور اداری صرف، به ابزاری مؤثر در تقویت اعتماد عمومی و حمایت واقعی از خانواده تبدیل کند.

۶۶ پولشویی و تأمین مالی تروریسم، فرایندهایی پیچیده و چند لایه‌ای هستند که معمولاً از مسیر تجارت خارجی، جابه‌جایی فیزیکی و جوه نقد، اسناد بانکی و ارزش گذاری‌های غیر واقعی کالاها گذر می‌کنند، بنابراین هر گمرک دقیقاً در نقطه‌ای قرار دارد که این فرایندها قابلیت کشف و مهار دارند

گمرکی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هدف جرم‌انگاری صریح ارائه اظهارنامه‌های خلاف واقع، یکی از مهم‌ترین اقدامات در این مسیر است. کم‌اظهاری و بیش‌اظهاری در تجارت خارجی، صرفاً تخلف اداری نیست، بلکه ابزاری برای خروج غیرقانونی سرمایه و تطهیر منابع نامشروع محسوب می‌شود.

دقت مستمر در ارزش‌گذاری اقسام صادراتی و وارداتی، از جمله تکالیفی است که می‌تواند به دفاع از منافع عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق بیت‌المال منجر شود. از منظر تجارت سالم اقتصادی، مقابله با این تخلفات، حمایت از فعالان اقتصادی سالمی است که در چارچوب قانون فعالیت می‌کنند و متضرر اصلی رقابت ناسالم هستند. قانونگذاری شفاف، علاوه بر ایجاد بازراندگی، به مأموران اجرایی نیز امنیت شغلی و حقوقی می‌دهد و از بروز فساد اداری جلوگیری می‌کند؛ امری که در نهایت به تقویت اعتماد عمومی منجر می‌شود.

■ گمرک و صیانت از منافع عمومی در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی جرایم مالی، ماهیتی فراملی دارند و مقابله با آنها بدون تعامل بین‌المللی ممکن نیست. همکاری گمرک جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌هایی نظیر سازمان جهانی گمرک (WCO)، در حوزه آموزش و انتقال دانش، نقش مهمی در ارتقای ظرفیت‌های تخصصی ایفا می‌کند. این همکاری‌ها در عین حفظ استقلال حقوقی کشور، موجب همسویی با استانداردهای پذیرفته شده جهانی شده است و پیام روشنی به جامعه بین‌المللی مبنی بر شفافیت مالی مخابره می‌کند که انتخابی آگاهانه و مبتنی بر منافع ملی و نه صرفاً پاسخی به فشارهای خارجی است.



۲. اجرای احکام باید عملی و ممکن باشد، قاضی نمی‌تواند حکمی بدهد که اجرایش ناپسند باشد. مثلاً اگر یک شخص مالک بیت‌کوین است، باید امکان انتقال و تصرف آن فراهم باشد. ۳. همکاری با صرفی‌ها و نهادهای مجاز صورت گیرد، صرفی‌های داخلی و بلتقرم‌های مجاز، نقش کلیدی دارند. آنها می‌توانند اجرای حکم را تسهیل کنند و مطمئن شوند که دارایی دیجیتال به فرد درست منتقل می‌شود. ۴. حقوق شهروندان و حریم خصوصی باید رعایت شود، هر اقدامی باید با احترام به مالکیت فرد و حریم خصوصی او انجام شود، یعنی کسی حق ندارد بدون اجازه دارایی دیجیتال شما را تصرف یا اطلاعات شخصی‌تان را منتشر کند.

۱. مالکیت ارز دیجیتال به روش دیجیتالی باید اثبات شود، هر کسی که ادعای مالکیت بیت‌کوین یا اتر بوم دارد، باید بتواند با مدارک دیجیتالی معتبر نشان دهد صاحب آن است. این مدارک شامل کیف پول دیجیتال، تراکنش‌ها و اطلاعات ثبت شده در بلاکچین است.

۱. اجرای احکام باید عملی و ممکن باشد، قاضی نمی‌تواند حکمی بدهد که اجرایش ناپسند باشد. مثلاً اگر یک شخص مالک بیت‌کوین است، باید امکان انتقال و تصرف آن فراهم باشد. ۳. همکاری با صرفی‌ها و نهادهای مجاز صورت گیرد، صرفی‌های داخلی و بلتقرم‌های مجاز، نقش کلیدی دارند. آنها می‌توانند اجرای حکم را تسهیل کنند و مطمئن شوند که دارایی دیجیتال به فرد درست منتقل می‌شود. ۴. حقوق شهروندان و حریم خصوصی باید رعایت شود، هر اقدامی باید با احترام به مالکیت فرد و حریم خصوصی او انجام شود، یعنی کسی حق ندارد بدون اجازه دارایی دیجیتال شما را تصرف یا اطلاعات شخصی‌تان را منتشر کند.

۱. اجرای احکام باید عملی و ممکن باشد، قاضی نمی‌تواند حکمی بدهد که اجرایش ناپسند باشد. مثلاً اگر یک شخص مالک بیت‌کوین است، باید امکان انتقال و تصرف آن فراهم باشد. ۳. همکاری با صرفی‌ها و نهادهای مجاز صورت گیرد، صرفی‌های داخلی و بلتقرم‌های مجاز، نقش کلیدی دارند. آنها می‌توانند اجرای حکم را تسهیل کنند و مطمئن شوند که دارایی دیجیتال به فرد درست منتقل می‌شود. ۴. حقوق شهروندان و حریم خصوصی باید رعایت شود، هر اقدامی باید با احترام به مالکیت فرد و حریم خصوصی او انجام شود، یعنی کسی حق ندارد بدون اجازه دارایی دیجیتال شما را تصرف یا اطلاعات شخصی‌تان را منتشر کند.

۱۴ گزارش ۲ نادیا آهنگان

ورود و خروج کالا و ارز، فقط یک فرایند تجاری نیست و نقطه‌ای حساس از تلاقی اقتصاد، امنیت و حقوق عمومی به شمار می‌آید. در جهانی که پولشویی و تأمین مالی تروریسم از مسیرهای پیچیده تجاری عبور می‌کنند، گمرک به عنوان نخستین سد نظارتی کشور، نقشی فراتر از یک نهاد اجرایی پیدا کرده است. مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در جهان معاصر است؛ چالشی که مرزهای جغرافیایی را طی می‌کند و مستقیماً امنیت اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، نهادهایی که در نقطه تماس اقتصاد داخلی با جریان‌های فراملی قرار دارند، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. گمرک به عنوان روزه رسمی ورود و خروج کالا، ارز و اسناد مالی، یکی از مهم‌ترین ارکان این عرصه محسوب می‌شود چراکه گمرک را نمی‌توان صرفاً یک دستگاه اجرایی برای اخذ حقوق و عوارض دانست بلکه نهادی حاکمیتی است که عملکرد آن می‌تواند مرز میان اقتصاد شفاف و اقتصاد آلوده به منابع نامشروع را ترسیم کند، به همین دلیل سیاست‌های اخیر در حوزه تقویت سامانه‌های نظارتی گمرک، اصلاح قوانین و توسعه همکاری‌های بین‌دستگاهی، واجد اهمیت ویژه حقوقی و اجتماعی است.

■ ■ ■

پولشویی و تأمین مالی تروریسم، فرایندهایی پیچیده و چند لایه‌ای هستند که معمولاً از مسیر تجارت خارجی، جابه‌جایی فیزیکی و جوه نقد، اسناد بانکی و ارزش گذاری‌های غیر واقعی کالاها گذر می‌کنند، بنابراین هر گمرک دقیقاً در نقطه‌ای قرار دارد که این فرایندها قابلیت کشف و مهار دارند، از این منظر، نقش گمرک بسیار حساس و بنیادین محسوب می‌شود. در چارچوب برنامه مربوط به حوزه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، تکالیف مشخصی برای گمرک تعریف شده است. این تکالیف، نظیر بر ایجاد سازو کارهای شفاف، مستمر و قابل رصد برای شناسایی جریان‌های مالی مشکوک است. الزام به ثبت و گزارش ورود و خروج ووه نقد بالاتر از آستانه مقرر، اسناد بانکی و اوراق بهاداری نام، از جمله مهم‌ترین این وظایف به‌شمار می‌رود. از منظر حقوقی، این اقدامات تجلی اصل حاکمیت قانون و مسئولیت دولت در صیانت از نظم عمومی اقتصادی است. زمانی که گردش

مالی بدون نظارت مؤثر صورت گیرد، بستر برای تضعیف اعتماد عمومی و گسترش بی‌عدالتی فراهم می‌شود.

■ تبادل اطلاعات و نظارت هوشمند

بر جریان‌های مالی یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف نظام‌های مقابله با جرایم مالی، فقدان تبادل مؤثر اطلاعات میان دستگاه‌های ذی ربط است. تجربه‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهند بدون شبکه اطلاعاتی یکپارچه، حتی سختگیرانه‌ترین قوانین نیز کارایی لازم را نخواهند داشت. در همین راستا گمرک مکلف شده است با ایجاد بانک‌های اطلاعاتی جامع، داده‌های مربوط به اظهارنامه‌های ارزی، ورود و خروج و جوه نقد و جوه توقیف یا مصادره شده را به صورت سامانه‌ای در اختیار مرکز نوین قاچاق و پولشویی است. این فناوری‌ها، امکان بازرسی دقیق محموله‌ها را بدون ایجاد وقفه‌های طولانی در فرایند تجارت فراهم

می‌کنند. تدوین نظام جامع اسکن محموله‌های تجاری به عنوان نقشه راه تجهیز گمرکات، گامی مهم در راستای یکپارچه‌سازی نظارت‌هاست. تسهیل اطلاعات اسکن در سامانه‌های ملی، امکان رصد زنجیره حمل و نقل کالا و شناسایی شهرت‌های نیز این شیوه نظارت می‌تواند به کاهش برخورداری سلیقه‌ای و افزایش پیش‌بینی‌پذیری رفتار حاکمیتی به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب منجر شود.

■ فناوری‌های کنترلی: از ایکس‌ری بنادر تا سامانه‌های پیشرفته اسکن

توسعات فناورانه و ارتقای ابزارهای مربوط، ابزارهای جدیدی را در اختیار نهادهای نظارتی قرار داده است. تجهیز گمرکات کشور به دستگاه‌های ایکس‌ری و سامانه‌های پیشرفته اسکن محموله‌ها، پاسخی عملی به پیچیدگی‌های نوین قاچاق و پولشویی است. این فناوری‌ها، امکان بازرسی دقیق محموله‌ها را بدون ایجاد وقفه‌های طولانی در فرایند تجارت فراهم